جابه جایی افسانه ها در میان فرهنگ ها گستره ای بسیار گیرا برای پژوهشگران فرهنگ کهن شمرده می شود. افسانه از ریشه هایی کهن می روید و خود را در داستان های گوناگونی به جامه های رنگارنگ می نماید. اگر یک درون مایه ی افسانه ای در همه ی یادگاران فرهنگی مردمی جست و جو شود که پیشینه ی فرهنگی یگانه ای دارند، نمونه های بسیاری از آن در گوشه هایی یافته می شود که پژوهشگر چشم به راه آنها نیست. این درون مایه ها که زاییده ی دنیای مردمانی با خاستگاه های مشترک فرهنگی هستند، به سادگی با زمینه ی داستان های دیگر همخوان می شوند و در گسترش های آینده ی آن جا پیدا می کنند. بدین گونه است که یک درون مایه خود را می گسترد و پژوهشگر را به یافتن سرچشمه اش نزدیک می کند. گسترش های آینده ی یک افسانه بیشتر از دو راه رخ می دهد؛ نخست با افزودن درون مایه هایی تازه از داستان هایی دیگر که می توانند یکپارچگی داستان را پاس دارند، دوم با پوشاندن یا کنار گذاردن درونمایه هایی که در افسانه ی کنونی دیده می شوند. اگرچه فرجام ناهمخوانی همیشگی دگرگونی های فرهنگی با بخش هایی از باورهای مردمی را نباید نادیده گرفت اما این افزایش و کاهش ها در یک افسانه است که می تواند سرانجام، گونه هایی از ویرایش های مردم نهاد را آشکار سازد و آن ها را به راه های تازه ای بکشاند که گاهی بخش های بسیار ارزنده از داستان را از چشم خواننده می پوشانند.

دفتری که در پیش دارید، پاسخی است به شماری از پرسش های فرهنگی نویسنده که امید دارد چراغی خرد در گوشه ای از فرهنگ برافروخته باشد. مطالب در شش بخش تنظیم و دسته بندی شده است:

بخش نخست: نگاهی به سرچشمه ها

بخش دوم: ساختمان افسانه ی سریانی

بخش سوم: درون مایه ی افسانه ای ایرانی

بخش چهارم: ارزیابی زبان شناسانه

بخش پنجم: ارزیابی گاهشمارانه

بخش ششم: سیمایش فرجامین